

به نام خدا

فارسی یازدهم

ستایش (لطف خدا) ص ۱۰

هدف: آشنایی با ادبیات غنایی / حمد و ستایش خداوند

قالب شعر: مثنوی / نوع ادبی غنایی

شاعر: وحشی بافقی

۱- به نام چاشنی بخش زبان ها      حلاوت سنج معنی در بیانها

قلمرو زبانی:

چاشنی بخش: مزه دهنده، در اینجا آن چه برای اثر بخشی کلام به آن اضافه شود. / حلاوت سنج: شیرینی بخش، دلپذیری و لذت بخش بودن / حلاوت سنج و چاشنی بخش: ساخت مرکب / زبان و بیان: تناسب /

قلمرو ادبی:

مجاز: زبان (مجاز از «سخن») / حس آمیزی: چاشنی بخش زبان ها (سخن: حس شنوایی، چاشنی: حس چشایی)، چاشنی بخش: کنایه از ارزشمند کننده / مراعات: چاشنی و حلاوت

قلمرو فکری:

به نام خدایی سخنم را آغاز می کنم که نام و یاد او، ارزش دهنده ی سخن است و سبب اثر بخشی کلام می شود، به نام خدایی که موجب شیرینی و دلپذیری کلام می شود.

۲- بلند آن سر، که او خواهد بلندش      نژند آن دل، که او خواهد نژندش

قلمرو زبانی:

نژند: غمگین (در اینجا خوار و پست و زبون) /

بلند و نژند: رابطه ی معنایی تضاد / کلّ بیت: چهار جمله / ضمیر «ش» در واژه های «نژندش» و «بلندش» نقش مفعولی دارند .

قلمرو ادبی :

واژه آرای (تکرار): بلند و نژند/ مجاز: «سر» (مجاز از کلّ وجود انسان)/مجاز: «دل»(مجاز از وجود)، واج آرای (تکرار صامت های «د» و «ن»)/ مراعات نظیر: «دل و سر»: / موازنه: کلّ بیت / تلمیح: اشاره به آیه ی « تعز من تشاء و تدل من تشاء.هرکه را خواهی عزت دهی و هرکه را خواهی خوار گردانی»( آل عمران: ۲۶)

قلمرو فکری :

خداوند هر کس را که بخواهد سربلند می کند و هر که را بخواهد از عزت و بزرگی دور و پست می سازد .

۳-درنابسته ی احسان گشاده است به هر کس آنچه می بایست داده است

قلمرو زبانی

می بایست: لازم بود/ در و گشودن : تناسب / داده است و گشاده است: ماضی نقلی سوم شخص مفرد

در نابسته: ترکیب وصفی/ در احسان : ترکیب اضافی / نابسته: صفت وندی/ کلّ بیت : سه جمله / مصراع اول: یک جمله ی ساده / مصراع دوم: یک جمله غیر ساده

قلمرو ادبی

اضافه ی تشبیهی: در احسان /واج آرای : صامت «س»

قلمرو فکری:

خداوند در احسان و بخشندگی اش را به روی همه ی انسان ها باز کرده و به هر کس آن چیز را که لازم و شایسته ی او بوده بخشیده است. (مفهوم کلّی: احسان و بخشندگی خداوند.)

۴-به ترتیبی نهاده وضع عالم که نی یک موی باشد بیش و نی کم

قلمرو زبانی

کم و بیش: رابطه ی معنایی تضاد،/ مصرع دوم: حذف فعل «باشد» ،

« نهاده است» سوم شخص مفرد ماضی نقلی

قلمرو ادبی :

کنایه : یک موی ( چیز خیلی اندک و ناچیز) / ، تضاد: کم و بیش

قلمرو فکری:

خداوند، جهان را طوری آفریده است که همه چیز در جا و اندازه ی خود است و هیچ چیز کم و زیاد آفریده نشده است. ( مفهوم کلی : نظام جهان، نظام احسن است و جهان مجموعه ای منظم است )

ارتباط مفهومی:

اگر یک ذره را برگیری از جای خلل یابد همه عالم سرا پای «گلشن راز شبستری»

۵- اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبارها اقبال گردد

قلمرو زبانی:

ادبار و اقبال: رابطه معنایی تضاد

قلمرو ادبی:

تضاد : ادبار و اقبال

قلمرو فکری :

اگر لطف خداوند شامل حال کسی گردد ، همه ی سختی ها و بدبختی ها به خوشبختی تبدیل می شود.

۶- وگر توفیق او یک سو نهد پای نه از تدبیر کار آید نه از رای

قلمرو زبانی

رای : اندیشه، فکر/ تدبیر و رای رابطه ی مترادف/ حذف فعل «آید» در مصرع دوم. بیت سه جمله و یک جمله ی

غیر ساده است

قلمرو ادبی :

تشخیص: پای نهادن توفیق / کنایه: پای یکسو نهادن (همراه نبودن و کنار گذاشتن) / جناس: پای و رای /  
مراعات نظیر: رای و تدبیر

قلمرو فکری:

اگر لطف خداوند شامل حال بنده اش نشود، دیگر از دست اندیشه و عقل، کاری بر نمی آید و انسان از انجام هر  
کاری عاجز می شود (غلبه و اراده ی خداوند و عجز انسان)

۷- خرد را گر نبخشد روشنایی بماند تا ابد در تیره رای

قلمرو زبانی:

تیره رای: وندی مرکب / روشنایی: وندی / نقش روشنایی: مفعول / را حرف اضافه (به خرد) / بماند مضارع  
اخباری به معنی می ماند.

قلمرو ادبی:

تلمیح به آیه ی «یخرجونهم من الظلمات الی النور... آنان را از تاریکی های جهل بیرون آرد و به عالم نور برد...»  
(بقره: ۲۵۷) / روشنایی خرد و تیره رای: تضاد / تیره رای: کنایه از گمراهی.

قلمرو فکری: اگر خداوند راه عقل را روشن نکند و دانش و آگاهی ندهد و راه درست را نشان ندهد تا همیشه  
عقل، در نادانی و جهل به سر می برد.

۸- کمال عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ آگاه

قلمرو زبانی:

گوید مضارع التزامی «بگوید» / عقل و آگاهی تناسب / هر دو مصرع به شیوه ی بلاغی / کمال عقل: ترکیب اضافی /  
کمال عقل: نقش نهادی دارد.

قلمرو ادبی:

متناقض نما یا پارادوکس: کمال عقل در این است که بگوید آگاه نیستم / تشخیص: عقل بگوید آگاه نیستم /  
استعاره: «این راه» استعاره از درک حقیقت الهی

قلمرو فکری :

زمانی عقل انسان در این راه (شناخت حقیقت الهی) به کمال می رسد که اقرار به ناآگاهی خود کند. مفهوم اقرار به ناتوانی عقل در درک حقایق

به کوشش: فرحناز حسینی، استان البرز، کرج

adabiyatjame11@ کانال ادبیات جامع یازدهم

ادبیات  
حسینی